

# مصاف تعیین کننده

## حزب جمهوری در تدارك قبضه کردن کامل قدرت

حرکات سیاسی روحانیت حاکم و حزب جمهوری اسلامی در هفته های اخیر شامل یک سلسله حرکات تهاجمی به مواضع اساسی قدرت جناح دیگر می شود. این جناح با در دست داشتن کابینه - قوه اجرائیه - مجلس - قوه مقننه و شورایی عالی قضائی - قوه قضائیه میگوید تا دیگر ارجاعاتی اجرائی - کسسه عمدتاً دارای اهمیت نظامی هستند در اختیار نگیرد. مصوبه لایحه مربوط به ادغام بسیج (مستضعفین) که در برگیرنده ارتش بیست ملیون تنی است در سپاه پاسداران، یکدست کردن شورائی فرماندهی سپاه پاسداران - که معنی اش را در قطعنامه سمیبار محرابه سپاه یافتست و همچنین زمره های ناراضی از ارتش که در تلگراف پر معنی آیت الله منتظری به زعمای مذهبی در اهواز بارز گردید از جمله اقدامات رسمی است که حزب جمهوری اسلامی و روحانیت برای قبضه کردن قدرت نظامی در سر تا سر کشور بدان دست باز کرده اند. علاوه بر این کوششهای رسمی که آشکارا انجام می پذیرد، و همانطور که اشاره شد هدفش بدست آوردن سهم بیشتری از قبضه قدرت زمینهای نظامی است. توطئه ها و حرکات مشکوک دیگری نیز توسط حزب جمهوری اسلامی انجام یافته است که در حقیقت "مکمل" این حرکات رسمی است. این حرکات مشکوک عمدتاً حول تعیین سبب و شناسائی مبارزین، ورود اسلحه قاچاق به ایران و مسلح کردن اوباش و دستجات وابسته به حزب و ایجاد جو متشنج در سر تا سر کشور است. هم اکنون دستجات وابسته به حزب با وارد کردن اسلحه از لبنان توسط ژرفیق دوست قاتل رهبران خلق ترکمن و مسئول تدارکات سپاه پاسداران و رابط این سپهسالار در بیروت که اخیراً فقط یک قطره از ارز ارشالی برای او ناس گردید به تسلیح نیروهای رسمی و غیر رسمی خود مشغولند. خانه های امن بطور غیر رسمی در اکتاف کشور برپا گردیده است و علاوه بر تعقیب و دستگیری و شکنجه مبارزین و نفیقه مهم علامت گذاری خانه های "مشکوک" به آنان واگذار شده است. مثلاً در تهران محلات عمده بطور متناوب در زیر پوشش بازرسی ما موربسن امنیتی رژیم قرار دارد. کمپهای آموزشی اختصاصی علی آبا دقم، دهات اطراف کرج و... همچنین بسنه فعالیت های خود ادامه میدهند و گروههای اجیر شده در اطراف و اکناف کشور تلی الخصوص در صفحات شمالیه حادثه آفرینی و ایجاد تشنج مشغولند. محافل لیبرال، همه جا صحبت از توطئه کودتای سپاه پاسداران در روز وحدت دانشجو و روحانیت مینمایند و اخبار متعددی مبنی بر تهیه یک لیست

جدید هزار نفری از مخالفین توسط جناح مکتبسی حاکم وجود دارد. اینها همگی چه کوششهای رسمی و چه کوشش های غیر رسمی حزب حاکم دلالت بسزا حرکتی پر شتاب دارد که ما آنرا تدارک حزب جمهوری اسلامی برای مصاف تعیین کننده مینامیم. تدارکی که آغازش بیسه روزهای اول بعد از قیام ما زمیگراد. تدارکی که سرکوشیا و تهاجمات فعلی فقط آغازی برای حمله "نهایی" است. ترکیب در کابینه حاکمیت پس از قیام - بورژوازی "لسرال" - خرده بورژوازی سنتی - تقسیم متخصی را در قدرت بوحسب آورد. رهبری اقتصادی در دست بورژوازی ورهبری سیاسی عمدتاً در دست خرده بورژوازی سنتی قرار گرفت اما این تقسیم کار استثنائی که پیش از هر چیز بنانه عدم آمادگی هر یک از بخشها برای اعمال سلطه ای کاملاً بود، نه قادر بود که توازن لازم را در معادله درونی قدرت ایجاد نماید و نتسه میتوانست بسسه رشد فزاینده مبارزه سیا سی جاری در جامعه و خواسته های که میا م بهمن ماه انا برای جامد عمل پوشانیدن به آن شکل گرفت، جواب دهد. عدم ایالت تاریخی و متخصی رهبری این دو بخش، و لاینحل ماندن مشکلات و معضلات اولید مردم در زندگی اجتماعی و همچنین وجود نیروهای مترقی در جامعه، چنان شرایطی را بوجود آورده بود که این تقسیم بندی اولیه بسرعت معشوش گردید. وحدت تاریخی قبل از قیام جای خود را به ائتلاف شکننده پس از قیام داد که که در مواجیه، با کوچکترین مانع بسرعت جای خود را به اختلافات شدید میداد. در حقیقت بهم خوردن توازن معادلات قدرت در جناحهای حاکم نه صرفاً در مئی سیاسی رهبران این دو جریان در حاکمیت و منافعی که این دو بخش را در مقابل یکدیگر قرار میدهد، و نه صرفاً ناشی از مبارزه ای که آکا - های در جامعه توسط نیروهای مترقی دامن زده میشود، بلکه علاوه بر آن بعلمت مبارزه طبقاتی بود که بصورت بطنی و کشنده در طبقه حاکم در جریان بود. آن سبب خروشانیه که بسیاری از نوکیستان قدرت - پرست، و بسیاری از مدعیان رهبری را در زیر سر قدمهای سنگین و خردکننده خود له کرد و شرایطی را بوجود آورد که خالقین و رهبرانیه که سرای توده ها پیشیزی ارزش قائل نبودند در مقابل همین توده مانم زده گردیدند. شرایطی که دیگر نتوان تحمل آن تقسیم کار ابتدائی در حاکمیت را ندارد. عدم توازن در قدرت حاکم بسیار ت دیگر آن عامل مهمی که در بهم خوردن موازنه در قدرت حاکم و همچنین صف بندی سیاسی در جناح بورژوازیون

موثر بوده ، همانا ادامه یافتن مبارزه اجتماعی بوده است که عمدتاً بصورت سازمان نیافته در جامعه عمل مینمود . مادر اینجسا مختصراً به شمهای از آنچه بشکلی غیر عربیان خود را نشان داده است ، اشاره خواهیم نمود .

دلایل متعدد تاریخی و سیاسی ، منجمله چگونگی شکل بندی طبقاتی در جامعه ، ساختار سیاسی حاکم در زمانهای دور و نزدیک ، عدم وجود یک رابطه منطقی و تکاملی بین حرکات و احزاب سیاسی ، عدم وجود مبارزات دوره ای و همچنین ضعف های سنتی حاکم بر سازمانهای سیاسی ایران از جمله عواملی است که به شکل گیری مبارزه سیاسی توده ای در ایران بمعنای رایج کلمه - مبارزه ای مشخص و آگاهانه - نیتاً نموده است . بطوریکه مسسما امروزه در ایران نه با احزاب و سازمانها و گروه ها هائی که بمعنی اخص کلمه بتوان از آن باقیست طبقاتی آن جریان را دریافت مواجه هستیم و نه با جریانهای خودانگیخته توده ای در سطح وسیع ، عبارت دیگر مبارزه طبقاتی در جامعه ما لزوماً خود را در شکل سازمانی آن - آگاهانه در احزاب یا حتی خود بخودی در سازمانهای صنفی - طبقا - تی مشخص بروز نمیدهد بلکه عمدتاً و در مقطع فعلی بصورت حرکات گاه اعتراضی و گاه بطبقاتی طبقات واقفان اجتماعی واقعیت خویش را به نمایش میگذارد . از اینرو بررسی چگونگی این شکل بندی در تبیین وقایع ایران از اهمیت بسزائی برخوردار است . و این امر بخصوص خود را در جریانهای کسبه سن بهم پیوسته طولانی مبارزاتی آنان را یکدیگر متصل مینماید مشهود میگردد . در حقیقت ما با شکل ویژه ای از مبارزه طبقاتی روبرو هستیم . مبارزه اجتماعی نه لزوماً در مجاری احزاب و سازمانهای وسیع توده ای و نه در تشکلهای صنفی ادامه پیدا میکنند ، نه طبقات برشد کافی اجتماعی خود با شکل شده اند و نه ساختار سیاسی استبدادی اجازه تکامل مبارزه طبقاتی در اشکال مرسوم را میدهد . برای اثبات این ادعا میتوان به مبارزات روزمره مهمترین و تعیین کننده ترین بخشهای اجتماعی زحمتکشان در ایران بعد از مقطع قیام اشاره نمود . مادر دوران بعد از قیام ما مبارزات گاه تندو گاه خروش کارگران بناغل مواجه هستیم ، کم کاری ، اعتصابات محدود ، ایجاد دشواریهای "اسلامی" و غیر اسلامی ، اخراج کارفرمایان ، مبارزه برای سود ویژه ، از جمله مجاری بروز این پتانسیل در جوامع کارگری است . درست است که خود این مبارزه دارای افت و خیزهای فراوان بوده است و هیچگاه حتی به یک مبارزه اتحادیه های اعتلا نیافته است و حتی در مواردی نیز به قبول رهبری اسلامی تن در داده ، اما این نیز درست است که صرف وجود همین مبارزه پراکنده عامل مهمی در کنار عوامل دیگر در پاره نیافتن چرخ تولید جامعه و از آنجا عدم تثبیت حاکمیت بوده است . کاهش بازده تولیدی کارخانه ها حتی در مواردی که قطعات یدکی و ما بجات اولیه در داخل تامین میگردد ، و اختلال عمدتاً ناآگاهانه در پروسه تولید ، از جمله نتایج بود که این حرکات بطبی و خود انگیخته و پراکنده در جامعه ، بعد از قیام موجود آورده است ، علاوه بر مبارزات

کارگران شاغل ، میتوان به مساله های مبارزات کارگران بیکار اشاره نمود . مبارزه ای که هنوز در شرایط جنگی ادامه می یابد و خود طلایه دار مبارزه ای حدوداً ۵ میلیون بیکار در جامعه بحرانی ایران است . مبارزه ای که از "ارتش ذخیره ای کار" نیرویی نسبتاً مجرب و آگاه میسازد . در میان دهقانان و حتی اقشار ناآگاه آنان نیز حرکات اعتراضی مشابهی ملاحظه میگردد . مصادره ای سوال زمینداران بزرگ در مناطقی که حاکمیت دولت در آن متزلزل بود - کردستان - صرف عدوا - نی زمینهای مالکین بزرگ و حتی در مسواری ضبط محصولات زمینهایی که قبلاً توسط نهادهای حاکم به تصرف درآمده است ، از جمله این حرکات در میان اقشاری است که سالهای سال در رکود سیاسی - بسر بردند . چگونگی تاثیر این حرکات را میتوان در کمبود تولیدات کشاورزی و نتیجتاً افزایش بهای تولیدات و ما یحتاج اولیه مشاهده نمود . مجموعه حرکاتی که اگر چه در اینجا بطور مختصر و در حد یک اشاره بیان گردید ولی در حقیقت ، نشان دهنده دامنه ای وسیع و عمیق نیرویی است که در راستای منطبق تاریخ عمل مینماید .

وجود این حرکات در بطن جامعه ای که اساساً بر پایه ارزشهای اقتصادی و اجتماعی سرمایه داری بنا گردیده ، و همچنین وجسود انقلابیتهای مختلف قومی که دریافتشان از شعار "استقلال" و "آزادی" بمنابهای شعارهای اساسی قبل از قیام ، دریافتی مترقیانه است ، وجود ملیتها با برداشتی از اسلام ( تسنن ) ، که حاکمیت شیعیان بمنابهای یک فرقه مذهبی را مردود مینمارد و ایضا وجود حاکمیت شیعیان بی لیاقتی که ایدئولوژی حاکم بر آنان است - در تناقض بسیار مناسبات اقتصادی است که بر آن حکمرانی مینماید ، و همچنین وجود نیروهای سیاسی و مترقی در جامعه ، چنان شرایطی را بوجود آورده است که هنوز بعد از گذشت دو سال از قیام بهمن ماه ما با پستک شهری سیاسی که بتواند - و نه اینکه نخواهد - جانشین قدرت از دست رفته ای آریا مهریسم باشد روبرو نیستیم .

### خلای قدرت

مسیر حوادث بمعنای وجود مبارزه نهفته طبقاتی و وجود مبارزه ای سیاسی در جامعه ، عدم تطابق روبنای اسلامی و ساخت سرمایه داری در ایران و همچنین مجموع شرایط بین المللی و منطقه ای تاکنون اجازه نداده است که جناحهای حاکم چه در مقابل یکدیگر و چه در مقابل سیر حوادث بتوانند "والتالی" خود را حفظ نمایند و مجبور به عقب نشینی در مقابل مردم و در مقابل یکدیگر نگردند . امروز به رسم خوردن تعادل در حاکمیت بخصوص با در نظر گرفتن و خاست اوضاع اقتصادی ، مشکلات و ممانع

## هر دو جناح حاکم دشمن زحمتکشان ، حامی سرمایه دار

وانگیزدهای ملکوتی شان اجازه دهند از مسند قدرت دفاع خواهند نمود و در صورت لزوم شکلی گسترده به اسلحه پناه خواهند برد .



و اصلاً بورژوازی نه از بدست گرفتن تسلیح و بیجا کردن نعلین آباء دارد، و نه از کشتن اسلحه بر روی تمام کسانی که مالکیت نامحدود و غیر مشروع و خصوصی او را بیسبب مصادف میکنند. بورژوازی به فراست دریاخته است که دیگر تکریم و خضوع در مقابل "رهبران فدهشی" آنچنان جایز نیست پس میدانید به آنان نیز تعرض نماید. میدانند که سفول یازرگان کارگران پرورنده است بسبب در مقابل آنان نیز باید آماده باشد و از همه بدتر بورژوازی میدانند که امروزه همسبب مسلحند، چه کاسب کاران خرده پیا و چه کارگران بررو و کمونیستهای مدافع آنان. بورژوازی ایران تحارب دیگر "دولتهای موقت" و در "کنذار" را در سطح جهان دیده است از امکان نفوذ سرخ ها . همانقدر میترسد که جن آریسمالند.

بنی صدر هم سرپرست غمانگیز بنایارت را می دانند، و نه جای لجاجت یا بورژسها همسویی بسا سرات خویشان سلطنت طلب همچون فلاحی را تجویز نمیاید. او میداند که ارتش امروز کوشی بزرگ تشبیه مجدد نظم است و کوبیدهی رادیو منظر اعلان بیانییدی شماره ی بیستک . او تجربه ی گرنسکی را نیز خوانده است، فرار او از کاج زمستانی را هنوز مخاطب سر دازد و از ایشرو او نیز "بیکار" نشسته است. مگر به آنکه هر او بود که مرکب من محرا و گردستان را به کلوله و سوبست و از دست زدن بهیچ جنایتی در مقابل مردم میاید خاسنه رو نگرداند. مگر او نبود که در راس فنکر اویات به دانشگاه بورژس سرورد . آری بنی صدر نیز میدانند فایده تکلیف و میدانند که چگونه خود را برای سیرد نهایی آماده کند.



بدستلرین مشاهده میشود که شرایط حاکم سیاسی بر ایران سخت منسج است. حاکمیت ما در به ادا می و غیر در شرایط فعلی نیست. هر جناح حاکم، دیگری را مسئول عدم تشبیه حاکمیت میداند، و دعوی قدرت حاکمیت به نقاط خادی نزدیک شده است. هر گوشه از ایران شاهد حوادث بهی است. روزی نیست که اوباشان خلافت خود را بیسبب نیروهای متروقی افزایش ندهند. شمال کشور در حالی متشنج بسر میبرد، گردستان فرمان خود را برای مشاورت در مقابل بورژس نهایی از جناح و سرمایه داری آمیخته می نماید. افغان، مشهد، تبریز ... در خود سبجوشند. خشم زحمتکشان نسبت به حاکمیت نیرونی می باشد و همه در تدارک یک بسرورد تعیین کننده اند.

ناشی از خنک، قدرت یافس ارترو همچینیس مفتضح شدن روحانیون حاکم در چشم مردم، بعد جدیدی می یابد. بطوریکه روحانیت و "اسلام عزیز" از هر دو سوی - بسورژواری و زحمتکشان - مورد اعتراض قرار میکنند. و این موج مزاینده ی ضد روحانیت با زدلحظهای شدت می یابد که هیچک از طبقات اجتماعی جامعه - بورژوازی و پرولتاریا - امکان قدرت یابی کامل در حاکمیت را ندارند. خنک قدرت توسط "لیبرالها" و روحانیت شکل دیگری بروز می نماید. هر یک به تنهایی خواستار قدرت هستند اما هیچک نیز به تنهایی قادر به قدرت نمیباشند و از آن مهمتر دیگر قادر به تحمل یکدیگر نیز نمیباشند. ایان دو سوال تجربه ی قدرت مشترک را آزموده اند و مردم نیز تجربه ی هر دو را جد بشکل دولت موقت، چه بشکل "خط امام" چه بصورت فرماندهی کل قوا و چه بصورت دولت مکتبی برای تعیین دیده اند.



روحانیت تشیع بعد از ۱۲۰۵ سال انتظار، بعد از سالها سکوت و ممانعت، بعد از خیانتهای مکرر به جنبین مردمی، اکنون امکان آفرایفته است که در عرصه ی قدرت جولانگاهی برای خویش بیاید. این روحانیت با تظاهر به دفاع از منافع "مستضعفین"، بدستلر خویش خلیسی از اصناف و اقشار خرده پارادکدرتولیس و توزیع عهد عتیق نقش داشته اند و امروز ساسیات سرمایه داری حاکم و احتمال تحول اجتماعی آینده ی آنان را به نامودی غنیدید عینما بند. این آیات نظام، خرده تولسدگندگان و پاراریتی کوچکی را بهمراه دارند که میخواهند در مقابل هر آنچه زندگی محتر سرمایه دارانه ی آنان را نهیدید عینما بند چه سرمایه ی بزرگ و چه پزیده ی کفر آلود مالکیت اجتماعی - مقاومت کنند. جامعه "عدل و قسط اسلامی" آنان جا معدایست که مالکیت مشروع میتواند به زندگینمایی خود ادامه دهد و نتیجاً بهیچ رو خاعر بنگه ترک موقعیتی که تاریخ برای آنان فراهم آورده است نیستند. و آلی امر آن چنان جامعه را برای آنان در قرن بیستم تصویر نموده است، که خواب ار چشمانشان را رسوده است. جامعه ی با فروشان سره میباشند، جامعه ی تولید کوچک سحرای عربستان، جاسده ی داد و ستد محلی بازار کسبه جان فریبند است که برای بعقب راندن چرخ تاریخ از هیچ چیز کوتاهی نمی نمایند. اما علاوه بر اینها، مکتبشان بر از لقاظهای مذهبی پیرامون شهادت است. مطمئناً شریعتی به آشناسان آموخته است تا میسوانی بصبران و گرنه شهید شو، رهبریه آنان کلید در بهشت وعده داده است. بنا بر این گوته میاید که خود را کرمور شاکسیم که این خیل عظیم و رهبران قدرت پس نشان براحتی و بدون هیچگونه مقاومتی در مقابل "مردم" و یا حتی بورژوازی سر خم کنند. خیر، آنها و تا بدانجا که منافع سیاسی

از امروز نمیتوان محتوای مشخص نبردهای آینده، و اشکال مشخص این نبردها را تعیین نمود. صف بندی نیروهای اجتماعی هنوز بطور بقیین مشخص نیست. هنوز جنگ با عراق ادامه دارد. و هنوز بدنه‌ی ارتش یکدست نیست. هنوز خمینی در رأس قدرت است. و ایمن در حالی است که نیروهای متخاصم در جامعه هیچیک تحمل یکدیگر را ندارند. عدم تثبیت جا کمیت و قدرت یابی نیروهای سیاسی مترقی علیرغم تمام سردرگمی های رایج، وجود نیروهای سیاسی وابسته به رژیم شاهنشاهی، انحصار طلبی مرتجعین و توطئه های پی در پی آنان، چشم اندازهای بورژوازی و ارتش برای کسب قدرت، وجود ملیتهای مختلف در جامعه با وجود اسلحه در میان مردم، مهافشدیدی را بعنوان یک امکان جدی در آتیه نه چندان دور طرح کرده است.